

## گزیده‌ای از آثار حضرت عبدالبهاء

خطابات و تألیفات حضرت عبدالبهاء ثمر بیش از نیم قرن فعالیت و کوشش بی‌وقفه است. تألیفات ایشان به عنوان مرکز عهد و میثاق حضرت بهاء‌الله و مبین (مفسر رسمی) آئین بهائی، هم تفسیر آثار بهائی و هم بخشی از بدنه متون اصلی این دیانت را شکل می‌دهد. آثار منتشر شده از ایشان مجموعه‌هایی است شامل مکاتبات شخصی، نامه‌های عمومی، شرح و تفسیرهای موضوعی، کتاب، دعا و مناجات، شعر و خطابه‌های عمومی.

در ادامه، گزیده کوتاهی از خطابات و تألیفات حضرت عبدالبهاء ارائه می‌گردد. نسخه کامل این آثار در کتابخانه بهائی موجود است.

... من از خدا می‌خواهم که قلوب را گشایش بخشد یاران را وسعت عطا فرماید و گشایش قلوب ممکن نیست جز بمحبت الله. اگر گشایش از امور دیگر حاصل شود عَرَضی است، موقت است، زود به تنگی تبدیل می‌شود اما سرور و گشایشی که به محبت الله باشد ابدی است. همه سرور و لذت‌دنیوی از دور جلوه‌ئی دارد، لکن چون نزدیک شود سراب است و نمایشی بی حقیقت، البته در حکمت سلیمان خوانده‌اید حضرت سلیمان می‌فرماید من وقتی طفل بودم چنین می‌دانستم که لذت در گردش و سواری است چون به سن شَبَاب رسیدم و به تَفَرُّج و سواری و گردش، دیدم لذتی ندارد. با خود می‌گفتم لذت در سلطنت است، اقتدار است، حکمرانی است. چون به سلطنت رسیدم دیدم آن هم لذتی ندارد، و همچنین هر شأنی از شئون که در نظرم جلوه‌ای داشت، چون به او رسیدم، دیدم لذتی ندارد. فهمیدم که سرور به محبت الله است. اگر انسان سرورش به صِحَّت باشد، صحت وقتی زائل می‌شود، پس یقین است که صحت هم سبب سرور نیست. اگر سرور انسان به ثروت باشد، وقتی ثروت زائل می‌شود. اگر سرورش به منصب باشد وقتی منصب از دستش می‌رود. مادام که سبب، قابل زوال است مُسَبِّب هم زائل می‌شود، ولی هرگاه سبب سرور فیض الهی باشد، آن سرور ابدی است، چه که فیوضات الهیه ابدی است و چون که محبت الله ابدی است، اگر انسان دل به فیض الهی بندد، محبت الهی در قلبش باشد، سرورش ابدی است. به هر چه دل بندد فانی است و عاقبت مأیوس می‌شود، مگر محبت الله، محبت به عالم انسانی.

نطق در لندن تاریخ ۸ سپتامبر ۱۹۱۱، از کتاب خطابات حضرت عبدالبهاء جلد ۱

... امروز هر کسی به وحدت بشر خدمت کند، در درگاه احدیت مقبول است؛ زیرا جمیع انبیای الهی در وحدت عالم انسانی کوشیدند و خدمت به عالم انسانی کردند؛ زیرا اساس تعالیم الهی وحدت عالم انسانیت است. حضرت موسی خدمت به وحدت انسانی نمود؛ حضرت مسیح وحدت عالم انسانی تأسیس کرد؛ حضرت محمد اعلان وحدت انسانی نمود؛ انجیل و تورات و قرآن اساس وحدت انسانی تأسیس نمودند. شریعت الله یکی است و دین الله یکی و آن الفت و محبت

است. حضرت بهاءالله تجدید تعالیم انبیا فرمود و اساس دین الله را اعلان نمود، ملل مختلفه را به هم الفت داد؛ ادیان مختلفه را با هم جمع نمود.

...ای اهل عالم، چون در جمیع عالم سیر و سیاحت نمائید آنچه معمور است، از آثار الفت و محبت است و آنچه مطمور است، از نتایج بغض و عداوت. با وجود این، عالم بشر متنبه نشود و از این خواب غفلت بیدار نگردد. باز در فکر اختلاف و نزاع و جدال افتد که صف جنگ بیاراید و در میدان جدال و قتال جولان کند.

نطق در لندن در تاریخ ۱۴ سپتامبر ۱۹۱۱، از کتاب خطابات حضرت عبدالبهاء جلد ۱

...عالم وجود مثل هیکل انسان است؛ قوای مادیه مانند اعضا و اجزای آن هیکل. ولی این جسد روحی لازم دارد تا به او متحرک باشد، به او زنده شود و حیات یابد؛ به او قوه باصره، قوه سامعه، قوه حافظه، قوه مُدرکه پیدا کند؛ تا نور عقل در او ساطع شود و به این قوه، کاشف حقائق اشیاء گردد و ترقیات عالم انسانی حاصل کند. در حال فقدان روح، هر قدر در نهایت صباحت و ملاحظت باشد، این نتایج حاصل نگردد؛ نقشی است، جان ندارد؛ ادراک ندارد؛ هوش ندارد؛ بی بهره از کمال است. ...

...دین الهی، روح عالم امکان است؛ امکان به او نورانی است؛ اکوان به او مُزین است و به او کامل. لهذا همچنانکه فکر تان منعطف به ترقیات مادیه است، باید در ترقیات روحانیه نیز بکوشید؛ همین قسم که در مدنیت جسمانیه می‌کوشید، باید اعظم از آن در ترقیات روحانیه سعی بلیغ نمائید؛ چنانچه جسد را اهمیت می‌دهید، روح را نیز اهمیت لازم. اگر در هیکل انسان روح نباشد، از جسد چه فایده، جسد مرده است؛ همین قسم جسد امکان، اگر از ترقیات معنویه محروم باشد، جسمی است بی جان. ...

...اگر عالم انسانی از روح دین محروم ماند، جسدی است بی‌جان و از نفثات روح القدس محروم مانده؛ از تعالیم الهی بی نصیب گشته؛ چنان انسان حکم میّت دارد. این است که حضرت مسیح می‌فرماید: «واگذارید مرده‌ها را تا دفن کنند مرده‌ها»؛ زیرا آنچه از جسد زائیده شده، جسد است و آنچه از روح تولید شده، روح است. مقصود از روح، حقیقت دین است. پس واضح شد که اگر نفسی از فیوضات روح القدس محروم شد، میّت است ولو کمالات صوریه داشته باشد و دارای صنایع و علوم باشد. ...

نطق حضرت عبدالبهاء در پاریس در تاریخ ۱۵ اکتبر ۱۹۱۱ از کتاب خطابات حضرت عبدالبهاء جلد ۱

"ای اهل ایران، قلب که ودیعه ربانیه است، او را از آلایش خودپرستی پاک و مقدس نموده به اکلیل نوایای خالصه مزین نمایید، تا عزت مقدسه و عظمت سرمدیه این ملت باهره، چون صبح صادق از مشرق اقبال طالع و لائح گردد. این چند روز ایام حیات دنیویه، که چون ظل زائل است، عنقریب به سر آید. جهد نمایید تا مشمول الطاف و عنایت رب احدیت گردید و اثر خیری و ذکر خوشی از خود در قلوب و السن اخلاف بگذارید... ای خوشا حال نفسی که خیر ذاتی خود را فراموش نموده، چون خاصان درگاه حق، گوی همت را در میدان منفعت جمهور افکنده تا به عنایت الهیه و

تأییدات صمدانیه، مؤید بر آن گردد که این ملت عظیمه را به اوج عزت قدیمه رساند و این اقلیم پژمرده را به حیات طیبیه، تازه و زنده نماید و چون بهار روحانی اشجار نفوس انسانی را به حلیه اوراق و ازهار و اثمار سعادت مقدسه سرسبز و خرم نماید".

رساله مدنیه

... زمین ملک خداست، جمیع ملل و دول مانند مستأجرند عاقبت از دست کل خواهد رفت ( و لله میراث السموات و الارض )؛ برای این مدت قلیله که مانند استنجار است با یکدیگر نزاع کنند، جدال نمایند، خونریزیها کنند، نظیر سیاح ضاریه و گرگان تیز چنگ یکدیگر را بدرند؛ و حال آن که خدا انسان را مظهر فضائل عالم انسانی خلق نموده که سبب راحت و آسایش عالم بشود، سبب محبت و الفت باشد، نورانی باشد و عادل باشد انصاف داشته باشد، تعدی نکند، معاونت یکدیگر نمایند، مهربانی بین بشر حصول پذیرد؛ خدا اینطور می خواهد سبب سعادت عالم انسانی و عزت بشر این است. لکن وا اسفا که بشر بر خلاف رضای خدا حرکت می کند در اموری می کوشد که سبب ذلت بشر است سبب رسوائی عالم انسانی است.

... اول چیزی که برای انسان لازم تحری حقیقت است. در تحری حقیقت، باید انسان آنچه را شنیده و از تقلید آباء و اجداد و یا اقتباس افکار است، فراموش کند و جمیع ادیان روی زمین را باید یکسان بداند، نه به یکی تعلق و نه از دیگری تنفر داشته باشد، تا تواند تمیز دهد که کدام دین بحقیقت مقرون؛ چون تحری حقیقت کند، لابد به حقیقت پی برد؛ و ثانی اساس الهی، وحدت انسانی است، یعنی جمیع بشر بندگان خداوند اکبرند؛ خدا خالق کل است، خدا رازق کل است، خدا محیی کل است و خدا مهربان به کل؛ جمیع بشر انسانند، یعنی تاج انسانی زینت هر سری و خلعت موهبت زیور هر بری کل بنده او هستند، به جمیع مهربان است؛ عنایت شامل کل است؛ تفریق نمی فرماید، که این مؤمن است یا آن مؤمن نیست؛ راحم کل و رازق کل است؛ این صفت رحمانیت الهیه است؛ لهذا نمی توانیم نفسی را بر نفسی ترجیح بدهیم زیرا خاتمه مجهول.

... از جمله اساس بهاء الله، ترک تعصب وطنی و تعصب مذهبی و تعصب جنسی و تعصب سیاسی است. زیرا عالم بشر به مرض تعصب مبتلا شده و این مرض مزمن است که سبب هلاک است. جمیع اختلافات و جنگها و نزاعها و خونریزیها سببش این تعصب است؛ هر جنگی که می بینید یا منبعث از تعصب دینی است یا منبعث از تعصب جنسی یا منبعث از تعصب وطنی یا تعصب سیاسی است؛ و تا این تعصبات موجود، عالم انسانی آسایش نیابد؛ لهذا حضرت بهاء الله می فرماید این تعصبات، هادم بنیان عالم انسانی است. نظر به اهل ادیان نمائید، اگر اهل ادیان تابع خدا هستند و مطیع تعالیم الهی، تعالیم الهی امر می فرماید ابدأ نباید تعصب داشت؛ زیرا تعالیم الهی صریح است که باید نوع بشر با یکدیگر به محبت معامله کنند و انسان هر قصوری است در خود ببیند، نه در دیگری و هرگز خود را ترجیح به دیگری ندهد زیرا حُسن عاقبت مجهول است و نمی داند.

... جمیع مظاهر مقدسه خدمت به حقیقت فرمودند. حضرت موسی ترویج حقیقت فرمود؛ حضرت مسیح تصریح حقیقت کرد؛ جمیع حواریین توضیح حقیقت نمودند؛ حضرت رسول تبشیر به حقیقت داد؛ اولیای الهی موسس حقیقت

بودند؛ حضرت بهاء الله تأسیس حقیقت فرمود؛ کل مظاهر حقیقت بودند و تعالیم کل توحید عالم انسانی و الفت و محبت و یگانگی و تنزیه و تقدیس از ظلمات امکانی، یعنی اختلاف و نزاع و جدال و قتال؛ پس ما که بندگان آن بزرگوارانیم چرا باید اختلاف کنیم؛ چرا باید نزاع و جدال نمائیم؛ بندگان یک خداوندیم و جمیع مشمول الطاف حضرت رحمانی؛ خداوند با کل در نهایت صلح است ما چرا با یکدیگر جنگ نمائیم؛ خداوند با کل مهربان است، ما چرا نامهربان باشیم؛ خداوند خالق کل و رازق کل و مربی کل و حافظ کل است، ما چرا از یکدیگر جدا هستیم؛ سبب این است که اساس ادیان الهی از میان رفته و فراموش شده و تشبث به تقالید موهومه گشته، و چون تقالید مختلف است، سبب بغض و عداوت بین بشر گردیده؛ اما اگر به اساس ادیان الهی نظر کنیم کل یکی است و اگر رجوع به آن نمائیم، کل متحد و متفق می‌شویم و علم وحدت عالم انسانی در جمیع آفاق موج زند .... حال اکثر بشر نیز به کلی از حقیقت ادیان الهی محروم و حق دارند، زیرا آنچه در دست است تقالید است و مخالف قوانین عقل؛ لهذا اکثر خلق طبیعی شده‌اند؛ پس ای اهل ادیان بیائید تا از تقالید اوهام منزّه شوید و به اساس ادیان الهی تشبث نمائید تا متفق و متحد شوید و پرستش حقیقت کنید و در نهایت الفت و یگانگی در ظل خیمه توحید راحت و آسایش نمائید جمیع نجوم سماء حقیقت گردید و سراج‌های روشن عالم انسانی شوید؛ حقیقت شریعت الله است؛ حقیقت هدایت الله است؛ حقیقت محبت الله است؛ حقیقت فیوضات الله است؛ حقیقت فضائل عالم انسانی است؛ حقیقت نفثات روح القدس است.

... روسای ادیان امروز گمان می‌کنند که دین عبارت از تقلید آباء و اجداد است؛ لهذا هر قومی تشبث به تقالید نموده آن را حق می‌دانند؛ و این تقالید چون حقیقت نیست لهذا مخالف با یکدیگر است؛ و از این سبب اختلاف و عداوت بین بشر حاصل شده؛ زیرا همچنین گمان می‌کنند که دین مخالف علم است و عقائد دینی را تفکر و تعمقی لازم نیست و تطبیق به عقل و علم جائز نه، زیرا عقل و علم مخالف دین است؛ لهذا عقائد دینی، باید مجرد، عبارت از صرف تلقین روسای روحانی باشد و آنچه آنان بگویند باید معتقد شد، ولو مخالف علم و عقل است؛ و حال آنکه علم و عقل نور است دین باید مطابق علم و عقل باشد؛ دین که مطابق عقل کلی نباشد جهل است؛ می‌گوئیم علم و جهل، نور و ظلمت؛ اگر دین، ضد علم باشد، آن جهل است؛ پس باید دین مطابق عقل و علم باشد و این اختلافی که بین بشر است، جمیع منبعث از جهل است؛ اگر آن‌ها دین را تطبیق به عقل الهی و علم بکنند، همه پی به حقیقت برند، هیچ اختلافی نمی‌ماند؛ جمیع متحد و متفق می‌شوند؛ اعظم موهبت الهی برای انسان علم است و امتیاز انسان از حیوان به عقل و علم است؛ پس اگر عقائد دینی منافای علم و عقل باشد، البته جهل است؛ انسان آنچه می‌شنود باید آن را تطبیق به عقل الهی و علم کند، اگر علم و عقل قبول کند آن حق است؛ اما اگر به هیچ وجه علم حقیقی و عقل کلی تصدیق نکند آن جهل است.

نطق در پاریس در تاریخ ۲۸ اکتبر ۱۹۱۱ از کتاب خطابات حضرت عبدالبهاء جلد ۱

... قلب انسان تا اعتماد بر حضرت یزدان ننماید راحت و آسایش نیابد؛ بلی سعی و کوشش، جهد و ورزش لازم و واجب و فرض؛ و قصور و فتور مذموم و مقدوح، بلکه شب و روز آنی مهمل نباید بود و دقیقه‌ای نباید از دست داد و چون کائنات سائره باید لیبلاً و نهراً در کار مشغول شد و چون شمس و قمر و نجوم و عناصر و اعیان ممکنات در خدمات مداومت کرد؛ ولی باید اعتماد بر تأییدات نمود و اتکاء و اتکال بر فیوضات کرد، زیرا اگر فیض حقیقت نرسد

و عون و عنایت شامل نگردد، زحمت ثمر نبخشد، کوشش فایده ندهد و همچنین تا به اسباب تمسک نشود و به وسائل تشبث نگردد ثمری حاصل نه.

مائده آسمانی جلد ۹

...ابداً امید را از خدا قطع ننما. در هر حال امیدوار باش زیرا الطاف حق در هر حالت از انسان منقطع نگردد...  
در هر صورت انسان در دریای الطاف مستغرق است، لهذا در هیچ حالتی نومید مشو امیدوار باش.

منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء جلد ۱